

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۹۰

۹ آذر ۱۳۹۷ / ۳۰ نوامبر ۲۰۱۸

حقوق ما

مسئولیت کیفری و مدنی اطفال

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، معین خزائلی، نیلوفر جعفری، رضا حاجی حسینی، نقی محمودی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

«مسئولیت کیفری و مدنی اطفال» در کنار مسوولیت
عمومی جامعه در برابر مجرمان کودک و نوجوان



کودکان متهم در جایگاه متهمان بزرگسال



مسئولیت سرپرست کودک در برابر ارتکاب جرم

سن مسئولیت کیفری در ایران، چالش ها و راهکارها



بزهکاران نوجوان در قانون مجازات اسلامی جدید

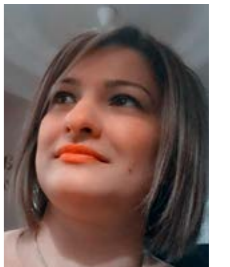


نظام کیفری با نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال چگونه برخورد می کند؟





«مسئولیت کیفری و مدنی اطفال» در کنار مسئولیت عمومی جامعه در برابر مجرمان کودک و نوجوان



نعیمه دوستدار

ماده ۴۱۰ این قانون و تبصره‌های ذیل آن به نحوه پیشنهاد هشت نفر مشاور توسط رئیس حوزه قضایی شهرستان و انتخاب و صدور ابلاغ چهار نفر از آنها توسط رئیس کل دادگستری استان اشاره شده است. همچنین تاکید کرده است در صورت زن بودن متهم حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.

با این حال نگاهی به قوانین کیفری ایران در خصوص مجرمان کودک و نوجوان و توجه به سن مسئولیت کیفری این گروه سنی نشان می‌دهد که رفتار قضایی با کودکان و نوجوانان اولویت دارد و وجود کانون‌هایی که با نام اصلاح و تربیت در ایران فعالیت می‌کنند نیز نتوانسته خشونت موجود در رفتار قضایی با کودکان و نوجوانان را کم کند و خود این مراکز به پایگاه‌هایی برای گسترش رفتار مجرمانه برای این گروه سنی تبدیل شده‌اند.

این کانون‌ها از سال ۱۳۳۸ با نام دارالتأدیب‌ها یا کانون‌های اصلاح و تربیت به وجود آمدند و در سال ۱۳۴۹ نخستین کانون اصلاح و تربیت در تهران و بعدها در شیراز و مشهد، تأسیس شدند. لایحه جدید آیین دادرسی کیفری در برخی مواد، خود به این کانون‌ها اشاره کرده و تاکید کرده است که آیین نامه جدیدی برای این کانون‌ها تصویب شود. ماده ۲۹۴ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های کیفری را به

همواره ممکن است که برخی کودکان و نوجوانان به دلایل متعدد از مسیر عادی رشد خود منحرف شوند و به رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه گرایش پیدا کنند یا به آن دست بزنند. با در نظر گرفتن تنوع دلایلی که می‌تواند به چنین رفتاری منجر شود، اغلب کارشناسان پیشگیری و درمان چنین رفتارهایی را در کودکان و نوجوانان توصیه می‌کنند و نظام‌های حقوقی، اصلاحی و درمانی ویژه‌ای را برای این کودکان و نوجوانان پیشنهاد می‌دهند.

یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که در نظام‌های حقوقی و اجتماعی پیشرفته برای برخورد با بزهکاری کودکان و نوجوانان اعمال می‌شود، وجود نظام مشاوره در کنار نظام قضایی است تا کودکان و نوجوانانی که پایشان به دادگاه اطفال کشیده می‌شود، برای اصلاح رفتار خود خدمات ویژه‌ای دریافت کنند چرا که تجربه نشان داده است تنها اعمال قوانین مجازات بازدارنده رفتارهای بزه‌کارانه این گروه سنی نیست و بدون چنین خدماتی احتمال تکرار رفتار بزه‌کارانه وجود دارد. به همین دلیل در قوانین ایران هم در ماده ۲۹۸ و تبصره ۲ ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، وجود مشاور در دادگاه اطفال ضروری دانسته شده است.

جرم، اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و موظفند متهم را فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند.

همچنین بر اساس اصول بنیادین حقوق کودک، آنها نباید برای اعتراف جرم خود تحت فشار قرار بگیرند و لازم است نخست با توجه به مسائل روانشناسی، از استرس کودک کاسته شود و برخورد خشن از سوی پلیس صورت نگیرد. با این حال و با وجود منع قانونی، گزارش‌های متعددی از برخورد نامناسب و خشن با کودکان و نوجوانان از سوی مراجع قضایی و پلیس منتشر می‌شود و در چنین فضایی، احتمال بازگشت مجرم کودک و نوجوان به زندگی عادی و سالم، کاهش می‌یابد.

در این شماره مجله حقوق ما به موضوع «مسئولیت کیفری و مدنی اطفال» پرداخته شده تا با تاکید بر جنبه‌های مبهم و ناقص حقوق کودک در نظام قضایی ایران، راه برای تجدید نظر در رویه‌های قضایی و افزایش آگاهی عمومی و کلا و حقوق‌دانان در برخورد با مجرمان کودک و نوجوان اندکی بازتر شود.

اقسام یک، دو، انقلاب، نظامی و دادگاه اطفال و نوجوانان تقسیم کرده و در ماده ۲۵ این لایحه ضمن برشماری دادرسی‌های متعدد تخصصی، از دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان نام برده شده است. مطابق ماده ۲۸۵، تحقیقات مقدماتی کودکان به ۲ دسته افراد بالا و زیر ۱۵ سال تقسیم شده است که بر اساس ماده یاد شده، جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال در دادسراها رسیدگی می‌شود.

در گذشته بازجویی از کودکان همانند بزرگسالان انجام می‌شد و رفتارهای خشن و توام با رعب و وحشت، موجب می‌شد کودک به جرایمی که مرتکب نشده هم اعتراف کند. اما بر اساس قانون مصوب سال ۱۳۸۲ هر آسیبی که به جسم و روح کودک جرم محسوب می‌شود و از این لحاظ تفاوتی میان والدین، پلیس یا ضابطان قضایی و دادگاه نیست.

از سوی دیگر شیوه تحقیقات و برخورد با کودکان و نوجوانان بزه‌کار باید با افراد بزرگسال تفاوت داشته باشد. بر اساس قانون تحقیقات مقدماتی افراد زیر ۱۵ سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان انجام می‌شود و حتی در جرایم مشهود ضابطان دادگستری ضمن حفظ آثار، علایم و دلایل

کودکان متهم در جایگاه متهمان بزرگسال



نقی محمودی

کودکی، صغر سن و یا عدم بلوغ، در مطالعات کیفری و قوانین جزائی، به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری در نظر گرفته می شود. فرض بر این است که کودکی که به سن بلوغ نرسیده است، از آن درجه از توانائی عقلی برخوردار نیست که درکی واقعی از اعمال و رفتار خود داشته باشد.

سن بلوغ و به تبع آن سن مسئولیت کیفری، در تمامی سیستم‌های حقوقی و قوانین کیفری کشورها به شکل واحد پذیرفته نشده است. هر چند سن ۱۸ سال در دختران و پسران به عنوان سن بلوغ، در اکثر کشورهای جهان شناخته شده ولی قبل از ۱۸ سال نیز، تمهیداتی برای مجازات، آموزش و تنبیه نوجوانان بزهکار در نظر گرفته شده است. در نظام حقوقی کامن‌لا (نظام رویه قضایی یا سابقه قضایی) کودکان زیر ۱۰ سال را فاقد مسئولیت کیفری می‌شناسند. اعمال بزهکاران کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال نیز جرم محسوب نمی‌شود، مگر آنکه علم کودک به اینکه رفتارش یک خطای فاحش است، ثابت شود. طبق قانون جزای جدید فرانسه ۱۹۹۲ اطفال زیر ۱۳ سال چنانچه مرتکب رفتار مجرمانه شوند قابل مجازات نیستند، اما تدابیر تنبیهی، مددکاری، نظارتی و آموزشی در مورد آنها قابل اجراست. کودکان از سن ۱۳ تا ۱۸ سالگی، بزهکار غیر مسؤول فرض می‌شوند،

اما اگر از تشخیص کافی برخوردار باشد، فرض غیر مسئول بودن، فاقد اعتبار است. به همین دلیل بعضی از نویسندگان کیفری و جرم‌شناسی، وضعیت کودکان بزهکار را، نه تحت عنوان عوامل رافع مسؤولیت جزایی، بلکه به عنوان طبقه خاصی از بزهکاران که دارای احکام جزایی ویژه خود هستند، مورد بحث قرار داده‌اند.

قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ دوران قبل از بلوغ را به چند دوره جداگانه تقسیم کرده و در حالی که برای اطفال ممیز، مسؤولیت نسبی قائل شده بود، اطفال غیر ممیز را فاقد مسؤولیت می‌شناخت و اطفال غیر ممیز زیر شش سال نیز به صورت کلی فاقد مسؤولیت کیفری شناخته می‌شدند. یعنی از نظر قانون مذکور هر نوع عملی که از آنها سر می‌زد، از شمول قانون جزا خارج بود، زیرا تصور می‌شد کودکان زیر شش سال نمی‌توانند از عنصر روانی لازم برای ارتکاب جرم برخوردار باشند. قانون مجازات اسلامی ایران که با اقتباس از فقه شیعه اثنی عشری تدوین شده، به این مسئله معتقد است که از طفل ممیز، مسؤولیت کیفری به طور کامل رفع نمی‌شود چرا که او از درک و شعور نسبی برخوردار است و تا حدودی می‌تواند در اعمال خود قاصد باشد. از این لحاظ ماده ۱۴۶ ق.م.ا که مقرر داشته اطفال را در صورت ارتکاب جرم مبری از مسؤولیت کیفری می‌داند، به طور کلی پذیرفتنی نیست و خود قانونگذار در مواد دیگری تخصیص

قائل شده و برای طفل ممیز، کیفر تعزیری مقرر کرده است. قانونگذاری در ایران، علی‌رغم این که در مواردی به مراتب کم اهمیت از قبیل سن شرکت در انتخابات و اخذ گواهینامه رانندگی، ۱۸ سالگی را معیار قرار داده ولی در مسائل بسیار مهمی مثل ازدواج و ارتکاب جرائم از سوی کودکان زیر ۱۸ سال، از فقه اسلامی تبعیت کرده است. با توجه به این که در جرائم مهم مثل قتل عمد که مجازات قصاص نفس را در پی دارد، اعمال مجازات مذکور نه تنها برای کودکانی که زیر ۱۸ سال مرتکب قتل شده اند بلکه برای افراد بالای ۱۸ سال هم، مورد انتقاد حقوقدانان است.

سن و مبنای مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی ایران: حکم کلی در ارتباط با افراد نابالغ در ماده ی ۱۴۶ ق.م.ا، عدم مسئولیت کیفری و معافیت از مجازات است. ماده ۱۴۰ قانون مذکور هم تاکید مجددی بر این موضوع دارد: مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد در حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد.

اما سن بلوغ در ماده ۱۴۷ همین قانون، در دختران نه سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال قمری تعیین شده است. با این وصف دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله ای که برای امور غیر مهمی مثل اخذ گواهینامه و شرکت در انتخابات، بایستی تا ۱۸ سالگی صبر کنند در صورت ارتکاب جرائم، به سان افراد بزرگسال با آنها برخورد می‌شود و همان مجازات که برای بزرگسالان در قوانین کیفری در نظر گرفته شده است، در مورد آنها نیز اعمال می‌شود. صرفاً کودکان دختر زیر ۹ سال و کودکان پسر زیر ۱۵ سال، طبق مقررات نابالغ محسوب و در صورت ارتکاب جرم، در مورد آنها اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود.

قانونگذار در تدوین قانون اخیر مجازات اسلامی، در خصوص کودکان ۹ تا ۱۸ سال در جرائم تعزیری، مسئولیتی تدریجی نسبت به سن و سال آنها در نظر گرفته اما متأسفانه در مورد جرائم حدود و قصاص، در بر همان پاشنه قدیمی می‌چرخد! مفهوم بلوغ از منظر مشهور فقهای امامیه

قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، در بعضی از موارد از نظر فقهای مشهور امامیه تبعیت کرده است.

بلوغ از لحاظ لغوی مصدری از ریشه بلغ (رسیدن) است. علائم جسمی بلوغ، بیشتر ملحوظ نظر فقهای امامیه است. علائمی از قبیل رویدن موی خشن در اطراف آلت تناسلی،





انزال یا خروج منی در پسران و قاعدگی و حاملگی در دختران. نظر فقهای امامیه تقریباً اقتباسی است از فقهای مقدم بر خود. بنابراین کتب فقهی که صدها سال پیش توسط فقیه‌ی نوشته شده به ترتیب زمانی مورد اقتباس فقهای موخر قرار گرفته است.

سئوالات مهمی در همین جا به ذهن خطور می‌کند. این که آیا به صرف پدیدار شدن علائم جسمی مثل انزال اسپرم و احتلام (انزال در خواب) در پسران و قاعدگی در دختران می‌تواند نشانه‌های قطعی بر توانائی جسمی و جنسی آنها تلقی شود و این که پسران در ۱۵ سالگی و دختران در ۹ سالگی، قادر به انجام عمل جنسی هستند و مثلاً آیا دختر ۹ ساله‌ای، آمادگی و قابلیت جسمی حاملگی را دارد؟ پژوهش‌های علمی بر این امر استوار است که بروز علائم بلوغ در دختران و پسران، بستگی به عوامل مختلفی از قبیل تغذیه، بهداشت، موقعیت جغرافیایی و اجتماعی و نژاد دارد. تا به حال چنین تحقیقات و آزمایشاتی در ایران انجام نشده و قوانین موجود نه بر مبنای داده‌های علمی -پژوهشی و واقعیات موجود، بلکه بر اساس تصورات فقها تدوین شده است. از سوی دیگر، به فرض محال صحت آمادگی جسمی در سنین مذکور در دختران و پسران آیا شرط کافی و وافی در ازدواج است و آمادگی روحی، تربیتی، مالی و آموزشی اموری بی فایده هستند؟ آیا پا به پای قوای جسمی و جنسی، قوای فکری و

عقلی نیز رشد می‌کنند؟ تاکید بر روی سن بلوغ در ازدواج، بدان جهت حائز اهمیت است که متأسفانه سن مسئولیت کیفری بر مبنای سن بلوغ که در ازدواج ملحوظ نظر است، تعیین می‌شود. بنابراین چگونه می‌توان ظهور و بروز علائم جسمی و جنسی را به منزله‌ی قابلیت و توانائی درک، فهم و تشخیص سره از ناسره در دختران نه ساله و پسران پانزده ساله قلمداد و بر اعمال، رفتار و کردار آنها مسئولیت کیفری بار کرد؟

کنوانسیون حقوق کودک و لزوم حمایت حقوقی از کودکان مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۵۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک را در یک مقدمه و ده ماده به تصویب رساند. در قسمتی از مقدمه این کنوانسیون آمده است: با تشخیص این که کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می‌بایستی در محیط خانواده و در فضایی (مملو) از خوشبختی، محبت و تفاهم بزرگ شود. با توجه به این که کودک می‌بایست آمادگی کامل برای زندگی فردی در جامعه داشته باشد و این که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح

شده است که: کودک به خاطر نداشتن رشد کامل فیزیکی و ذهنی محتاج مراقبت و حمایت‌هایی از جمله حمایت‌های مناسب حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد. ایران یکی از امضا کنندگان و متعهدین به اجرای مفاد کنوانسیون مذکور است. ماده یک کنوانسیون سن بلوغ را ۱۸ سال اعلام کرده اما در صورت تشخیص سن پایین‌تر در قانون قابل اجرا، آن را به رسمیت شناخته است. همچنین در ماده ۴۰ تاکید شده است که کشورهای عضو در مورد کودکان مجرم یا متهم به نقض قانون کیفری این حق را به رسمیت می‌شناسند که با آنان مطابق با شئون و ارزش کودک رفتار شود. این امر موجب افزایش احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران شده، سن کودک را در نظر گرفته و با در نظر گرفتن سن کودک، باعث افزایش خواست وی برای سازش با جامعه و به عهده گرفتن نقشی سازنده می‌شود.

قانون مجازات اسلامی ایران در جریان آخرین اصلاحات در سال ۱۳۹۲ با تخصیص ماده ۸۸ سعی کرده تا حدودی به

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه
 ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند(الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده(۱۱۷۳) قانون مدنی
 تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه
 ت- اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم
 ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج
 تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای(ت) و(ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال قابل اجراست. اعمال مقررات بند(ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای(ت) یا (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌شود. تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضا کند در تصمیم خود تجدیدنظر کند.

با این وصف، مقررات ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک در خصوص عدم اعمال مجازات اعدام و حبس ابد در مورد کودکان زیر ۱۸ تا به حال مورد بی توجهی قانونگذار و قوه قضائیه جمهوری اسلامی قرار داشته و هر از گاهی کودکانی را که در زیر سن ۱۸ سالگی مرتکب قتل شده اند پس از رسیدن به ۱۸ سالگی بنا به درخواست اولیای دم مقتول، قصاص نفس می‌کنند. در حالی معیار سنی مذکور در ماده ۴۰ ارتکاب جرم در زیر ۱۸ سال است و نه زمان اجرای حکم.

مقررات ماده ۴۰ کنوانسیون عمل کرده باشد. ماده ۸۸ مقرر می‌دارد: درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:
 الف- تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ کند:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
 ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی
 ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

درخواست قانون‌گذار باید مسئولیت زیان و بزه را بر عهده بگیرد. به این ترتیب مسئولیت والد و سرپرست در قبال جرم کودک یک نوع مسئولیت مدنی است. مبنای مسئول شناختن سرپرست در برابر جرم کودک آن است که او متعهد به مراقبت و نگهداری از او است. تعهد برای مراقبت و نگهداری نه تنها به معنای پرورش، تربیت و حمایت و حفاظت از کودک است بلکه به معنای پذیرش و تعهد در برابر هر نوع رفتاری از سوی او است. به این ترتیب سرپرست؛ اعم از اشخاص حقیقی مانند والدین، و اشخاص حقوقی مثل موسسات نگهداری کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست - به موجب قانون یا قرارداد

مكلف است زبانی را که به اشخاص دیگر از سوی کودک نابالغ وارد می‌شود نیز جبران کند. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی تاکید کرده است که پدر و مادر، سرپرست؛ اعم از پدرخوانده یا مادرخوانده، قیم و به طور کلی هر شخصی که به موجب قانون یا قرارداد این وظیفه را بر عهده گرفته است به واسطه خطای شخص تحت سرپرست مسئولیت دارند.

مسئولیت سرپرست در قانون مجازات اسلامی
بر اساس قانون مجازات اسلامی در صورتی که کودکی مرتکب جرم شود فاقد مسئولیت کیفری است و به این ترتیب، تربیت و مسئولیت کیفری آنچه انجام داده است با نظر دادگاه به عهده سرپرست قانونی‌اش سپرده می‌شود. همچنین اگر دادگاه تشخیص دهد سرپرست قانونی کودک قادر به تعهد این مسئولیت نیست یا در صورتی که کودک سرپرست نداشته باشد به قانون اصلاح و تربیت سپرده می‌شود.

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عند الاقتضا قانون اصلاح و تربیت اطفال است.» همچنین در تبصره این ماده منظور از طفل مشخص شده و قانون‌گذار تعیین کرده است که طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، طفل/صغیر شخصی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. در این قانون مسوولیت کیفری از صغیر رفع شده است. همچنین تا زمانی که مسئولیت بر شخصی وارد نباشد او قابل پیگیری و مجازات نیست، اما پس از بلوغ دارای مسوولیت و قابل مجازات است.

فقه اسلامی می‌گوید مرحله دوم زندگی انسان دوران بلوغ و پایان کودکی است. در قوانین ایران سن بلوغ برای پسران ۱۵ سال و برای دختران ۹ سال تشخیص داده شده است. و کودکان پس از رسیدن به این سن دیگر «صغیر» نیستند و دارای مسوولیت شمرده می‌شوند. این در حالیست که سن رشد در دیگر قوانین مدنی ۱۸ سال تعیین شده است. از سوی دیگر قانون اطفال بزهکار که

مسئولیت سرپرست کودک در برابر ارتکاب جرم

نیلوفر جعفری

هر زمان که دیگران در نتیجه یک عمل اشتباه یک فرد یا افرادی متحمل ضرر و زیان و خسارت مالی، جانی یا روانی شوند، فرد مرتکب جرم ملزم است زیان وارد شده را جبران کند. به طور معمول و بر اساس قانون مجازات هر شخص ملزم است مسئولیت خود را در قبال زبانی که وارد می‌کند بپذیرد و جبران مافات کند. اما دیگران مسئولیت کودکی که مرتکب جرم شده است را به دلیل عدم درک ماهیت جرم و عدم کمال عقلی مسئولیتی برای جبران آن بر عهده ندارند.

مسئولیت مدنی سرپرست کودک

هنگامی که کودکی جرمی انجام می‌دهد و زبانی به بار می‌آورد اولین پرسش آن است که چه کسی مسئول و پاسخگوی جرم است؟ سرپرست کودک در قبال جرم او مسئولیت مدنی دارد. مسئولیت مدنی به معنای آن است که شخص ثالث با پذیرش مسئولیت، ضرر و زیان فرد دیگری را جبران کند. به این ترتیب اگر چه شخص ثالث نقش و تأثیری در ارتکاب جرم نداشته است اما به





سن پایان کودکی را ۱۸ سالگی قلمداد کرده است، از سوی قانونگذار صریحا نسخ نشده است.

زمانی که کودک مرتکب جرم می‌شود پرونده کیفری مستقیما به دادگاه ارسال می‌شود؛ بدون آنکه نیاز باشد تحقیقات مقدماتی در دادسرا انجام شود. در رسیدگی به جرم، دادگاه از سرپرست قانونی کودک خواهد خواست تا در دادگاه حاضر شود و یا برای کودک وکیلی معرفی کند. اگر سرپرست در دادگاه حاضر نشود و یا وکیلی برای او به دادگاه معرفی نکند، دادگاه وکیل تسخیری را تعیین می‌کند.

در روند رسیدگی به جرائم کودک دادگاه به سرپرست طفل اعلام می‌کند تا در دادگاه به همراه کودک حاضر شود. اما هرگونه تحقیق و بررسی از کودک توسط قاضی انجام می‌شود. احضار کودک برای انجام تحقیقات از طریق سرپرست و ولی او انجام می‌شود و در صورتی عم حضور طفل برای تحقیقات جلب می‌شود.

در روند تحقیقات از کودک اگر نیازی به نگهداری او نباشد برای امکان دسترسی به کودک و جلوگیری از فرار کودک دادگاه یا سرپرست را به حضور به موقع کودک نزد دادگاه ملتزم می‌کند و یا سرپرست یا شخص ثالثی مکلف به قرار وثیقه برآزادی او می‌شود. وثیقه فقط برای متهمان بالای ۱۵ سال انجام می‌شود. اگر کودک سرپرست نداشته باشد دادگاه تا زمان صدور رای دستور نگهداری موقتی کودک را در کانون اصلاح و تربیت صادر می‌کند. دادگاه برای جرائم کودکان همواره به صورت غیر علنی برگزار می‌شود و فقط سرپرست و وکیل مدافع و شهود و مطلعان و نماینده کانون حق حضور در دادگاه را دارند.

خلاف کودکان که اساس از مسئولیت کیفری مبرا هستند، نوجوان‌ها تا حدی باید مسئولیت کیفری رفتار خود را بپذیرند. بر اساس ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی اگر کودک یا نوجوانی مرتکب جرمی تعزیری شده باشد و در زمان ارتکاب جرم ۹ تا ۱۵ سال تمام داشته باشد دادگاه او را به سرپرست قانونی واگذار می‌کند و تعهد کتبی و برای تادیب و مراقبت از حسن اخلاق کودک یا نوجوان دریافت می‌کند.

همچنین دادگاه می‌تواند در صورت تشخیص و مصلحت کودک یا نوجوان را به مددکار اجتماعی و یا روان‌شناس

معرفی کند و یا او را به یک موسسه آموزشی و فرهنگی برای تحصیل و آموزش یک حرفه معرفی می‌کند. دادگاه در صورت لزوم از سرپرست یا قیم خواهد خواست تا برای درمان یا ترک اعتیاد کودک به پزشک مراجعه کنند و یا از معاشرت و ارتباط مضر او با اشخاص ممانعت ایجاد کنند و یا از رفت و آمد به محل‌های خاصی جلوگیری کنند. این اقدامات تأمینی هستند و در قانون مجازات اسلامی سابقه ندارد. در صورت درخواست هر یک از این موارد سرپرست متعهد به انجام آن است و باید نتیجه را نیز به دادگاه اعلام کند.

آنچنان که مشخص است قانون‌گذار نوجوان را داری مسئولیت می‌داند اما مسئولیت تعیین شده کمتر از مسئولیت کیفری افراد بزرگسال است.

همچنین سرپرست کودک نیز برای پذیرش مسئولیت باید واجد شرایط باشد. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی صلاحیت سرپرست را مشخص کرده است. بر اساس ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل

یا به تقاضای قیم او یا تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.» مطابق با این ماده اگر سرپرست دچار اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار داشته باشد، به فساد اخلاقی و فحشا شهره باشد، مبتلا به بیماری روانی باشد یا از کودک سوءاستفاده کرده باشد و او را مورد ضرب و جرح خارج از حد متعارف قرار داده باشد صلاحیت پذیرش مسوولیت کودک را نخواهد داشت.

سن مسئولیت کیفری در ایران، چالش‌ها و راهکارها



رضا حاجی‌حسینی

دست‌کم شش نفر در سال ۲۰۱۸ در ایران به اتهام انجام جرمی در زیر سن قانونی اعدام شدند: امید رستمی، ابوالفضل چرانی شراهی، علی کاظمی، امیرحسین پورجعفر، زینب سکاوند و محبوبه مفیدی.

این چهار مرد و دو زن جوان به این خاطر به دار آویخته شدند که جمهوری اسلامی به تعهدات بین‌المللی خود در قبال حقوق کودکان پایبند نیست و معیار بین‌المللی (کنوانسیون حقوق کودک) برای در نظر گرفتن سن ۱۸ سال در مورد مسئولیت کیفری افراد را به رسمیت نمی‌شناسد.

ایران در سال ۱۳۷۳ کنوانسیون حقوق کودک را «به طور مشروط» پذیرفته است اما حقوقدانان و مدافعان حقوق بشر زیادی از جمله نسرین ستوده که خود اکنون در بند و در اعتصاب غذاست، معتقدند بسیاری از اصول این کنوانسیون در ایران رعایت نمی‌شود. او در طول سال‌های گذشته بارها به رسانه‌ها گفته است مهم‌ترین اصل کنوانسیون حقوق کودک یعنی کودک دانستن تمامی افراد زیر ۱۸ سال در ایران پذیرفته شده نیست.

عبدالکریم لاهیجی، حقوقدان برجسته و فعال حقوق بشر مقیم فرانسه نیز می‌گوید ایران کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده اما برای خود «حق تحفظ» قائل شده: «این حق تحفظ می‌تواند کنوانسیون را از موضوع اصلی‌اش خالی کند. در این مورد مثلاً کنوانسیون بر کودک بودن افراد زیر ۱۸ سال تأکید دارد اما جمهوری اسلامی عملاً این مساله را نمی‌پذیرد.»

اما ریشه این مشکل کجاست و احیاناً چه راه‌حل یا راه‌حل‌هایی برای آن وجود دارد؟

لاهیجی ریشه این مشکل را در دستکاری و بی‌توجهی به قانون مدنی تصویب شده در زمان رضا شاه می‌داند. او به حقوق ما می‌گوید این مشکل در ایران پیش از انقلاب وجود نداشته و محصول حاکمیت جمهوری اسلامی است. بر اساس گفته‌های این مدافع حقوق بشر، در قانون مدنی ایران، مصوب زمان رضا شاه در فاصله سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰، قانونگذار اصولاً سن بلوغ را ۱۸ سال در نظر گرفته بوده اما بعد در قانون ازدواج یک استثنایایی گذاشتند: «برای ازدواج گفتند دختر در ۱۵ سالگی و پسر در ۱۸ سالگی می‌تواند ازدواج کند و گفتند که اگر دادگاه تشخیص بدهد - با توجه به ویژگی‌های خاص برخی مناطق - یک دختر در ۱۳ سالگی هم می‌تواند ازدواج کند.»

لاهیجی اما تأکید می‌کند سن بلوغ ۱۸ سال در نظر گرفته شده بوده و بنابراین مسئولیت کیفری برای فرد در ۱۸ سالگی ایجاد می‌شده است.

او می‌گوید بعد از انقلاب و جمهوری اسلامی، در قانون مدنی سن بلوغ برای دختران ۹ سال قمری و برای پسران ۱۵ سال قمری تعیین شد: «رفتند رجوع کردند به کتاب‌های فقهی هزار سال پیش و رسیدند به این سنین. یعنی دختری با ۸ سال و ۸ ماه سن، بالغ به حساب آمد و دارای مسئولیت کیفری شد. تا وقتی این قانون اصلاح نشده بود، می‌شد برای چنین دختری - اگر خطایی از او سر می‌زد - مثل یک آدم بزرگسال مجازات تعیین کرد یا حتی محکوم به اعدامش کرد.»

سن بلوغ و ازدواج - و نه مسئولیت کیفری - در سال‌های بعد و با اصلاح قانون تغییر می‌یابد، به این ترتیب که برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال در نظر گرفته می‌شود.

به گفته لاهیجی این قانون بازگشتی به قانون زمان رضا شاه است اما همان هم به مسئولیت کیفری تعمیم نیافته و این موضوع همچنان کم و بیش لاینحل مانده است.

علی کاظمی، مشاور و نماینده قوه قضاییه در همکاری با یونیسف نیز روز ۱۷ مهر ۹۷ در نشست علمی حقوق کودک در نظام کیفری ایران به همین موضوع پرداخته و گفته است: «در جرائم مستوجب حد و تعزیرات سن مسئولیت کیفری سن بلوغ شرعی دختر و پسر در نظر گرفته شده است، در حالی که در ماده ۸۸ این سن ۹ تا ۱۸ سال در نظر گرفته شده است.» (خبرگزاری تسنیم)

کاظمی درباره سن مسئولیت کیفری کودکان در نظام کیفری ایران به دوگانگی موجود میان دختران و پسران نیز اشاره کرده و گفته است این دوگانگی سبب تبعیض در مجازات دختران و پسران در مجازات‌های جدی شده است.

قانون مجازات اسلامی و سن مسئولیت کیفری

در ماده ۹۱ قانون جدید مجازات اسلامی که در سال ۹۲ به





تصویب رسیده اما دادگاه برای تعیین رشد عقلی و مسئولیت کیفری افراد زیر ۱۸ سال صاحب صلاحیت دانسته شده است. ماده ۹۱ که در واکنش به انتقادهای داخلی و خارجی در مورد محکومیت افرادی که در زمان وقوع بزه زیر ۱۸ سال داشته‌اند تصویب شد، مقرر کرد در جرایم مستوجب حد یا قصاص (مانند قتل عمد یا تجاوز به عنف) هر گاه مرتکب کمتر از ۱۸ سال داشته باشد، «چنانچه ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکند یا به رشد و کمال عقلی نرسیده باشد» از مجازات مقرر جرم معاف بوده و به مجازات‌های دیگری محکوم می‌شود. در تبصره این ماده، مسئولیت تشخیص رشد و کمال عقل فرد بزهکار بر عهده دادگاه گذاشته شده و دادگاه می‌تواند بنا بر صلاحدید خود از هر طریقی از جمله استفاده از نظر کارشناسی پزشکی قانونی این وظیفه را انجام دهد.

علم یا قفه و شرع؟
گرچه قوانین حقوقی در جمهوری اسلامی برآمده از فقه شیعه است، اما اسلام‌شناسان و اندیشمندان مسلمانی که اغلب با عنوان «نواندیش دینی» از آنان یاد می‌شود نیز درباره سن مسئولیت کیفری افراد زیر ۱۸ سال در ایران انتقادات جدی دارند.

حسن یوسفی اشکوری، اسلام‌شناس و پژوهشگر دین، می‌گوید اگر جمهوری اسلامی امروز بخواهد در قوانین خودش تغییر ایجاد کند، راه چندان دشواری پیش رو ندارد.

راه حل پیشنهادی او واگذاشتن موضوع به اهل فن و خارج کردن مساله بلوغ عقلی از حوزه دین است: «راهش این است که مساله بلوغ را به علم و کارشناسان و متخصصان اهل فن واگذار کرد و آن را از مقوله امور شرعی و مذهبی خارج کرد؛ به ویژه اینکه تشخیص این موضوع هم با پزشکان است. علم تعیین کننده معیارهای بلوغ عقلی است و در حال حاضر سن رسیدن به این بلوغ ۱۸ سال تعیین شده که یک امر متعارف علمی است؛ اما در ذهنیت فقهی فقهای ما مساله این‌طور نیست.»

به گفته یوسفی اشکوری در دنیای امروز بلوغ را تنها بلوغ جسمی و جنسی نمی‌گیرند بلکه بلوغ عقلی می‌گیرند یعنی کسی که به رشد فکری و عقلی رسیده باشد و درست و نادرست را تشخیص دهد: «خب این معیار دنیای امروز است و این را هم علم تعیین می‌کند نه مثلاً یک قانون و قاعده الهی و آسمانی و مذهبی و از یک جای دیگر آمده.»

پس آیا راه‌حلی برای برون‌رفت از این وضعیت وجود دارد؟ لاهیجی در پاسخ به این سوال به حقوق ما می‌گوید: «راه‌حل بازگشت به گذشته است. در قانون مدنی فصلی وجود دارد به نام اهلیت، به این معنا که انسان را از چه سنی می‌شود مختار تلقی کرد. اولین مساله درباره بلوغ سنی است که در گذشته ۱۸ سال بوده. پس سن مسئولیت کیفری را باید ۱۸ سال در نظر گرفت و همچنین این سن را باید برای دختر و پسر یکسان قرار داد.»

به گفته لاهیجی برای خارج شدن قوه قضاییه از هرج و مرج موجود درباره سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان،

بزهکاران نوجوان در قانون مجازات اسلامی جدید

بررسی ارتکاب جرایم مستوجب تعزیر نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال



معین خزانلی

به طور کلی و بر اساس یکی از پذیرفته شده ترین اصول علم حقوق، وجود عقل، اختیار و قصد (در جرایم عمدی) و یا خطای جزایی (در جرایم غیر عمد) از عناصر تشکیل دهنده جرم بوده و هر نوع فعل و یا ترک فعل مجرمانه‌ای که مرتکب آن به نحوی از انحاء یکی از این عناصر کلیدی (به ویژه دو مورد عقل و اختیار) را در زمان ارتکاب دارا نباشد یا از مسئولیت کیفری معاف بوده و یا نتایج عمل ارتكابی وی بر کسان دیگری جز خودش اعمال خواهد شد. ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی در ایران نیز به تبعیت از این اصل، ایجاب مسئولیت کیفری را برای افراد در جرایم مربوط به حدود، قصاص و تعزیرات منوط به وجود «عقل، بلوغ و اختیار» کرده و به جز آن را رافع مسئولیت کیفری برای مرتکب دانسته است. بر این اساس وجود بلوغ سنی برای مرتکب در حین ارتکاب جرم در راستای ایجاد مسئولیت کیفری الزامی بوده و در غیر این صورت (صغر سنی) سبب رفع مسئولیت کیفری خواهد بود.

نتیجه عملی این حکم آن است که در صورت ارتکاب جرمی توسط اطفال و یا نوجوانان مسئولیت کیفری آنان با آنچه که مسئولیت کیفری افراد بالغ است، از نظر وجود، شدت و حدت تفاوت اساسی داشته باشد. قانون مجازات اسلامی جدید در ایران (مصوب ۱۳۹۲) نیز در اقدامی تفکیکی بر

مبنای نقش عنصر بلوغ در ارتکاب جرم، اقدام به شناسایی مسئولیت کیفری متفاوت و محدود برای اطفال و نوجوانان کرده است.

قانون مجازات اسلامی جدید؛ جایگزینی نظام تدریجی مسئولیت کیفری

قانونگذار ایرانی در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی جدید در اقدامی تفکیکی بر مبنای نقش عنصر بلوغ در ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان را در جرایم مستوجب تعزیر متفاوت از افراد بالغ دانسته و علی‌رغم اینکه مسئولیت کیفری کلی افراد را بر مبنای سن بلوغ شرعی آنان (دختران ۹ و پسران ۱۵ سال) قرار داده، اما صغر سنی را در جرایم تعزیری از اسباب رفع و یا کاهش مسئولیت کیفری دانسته است. بر اساس این ماده مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرمی تعزیری بسیار متفاوت از افراد بالغ بوده و نهایت مجازات آنان را، در مورد کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال، با توجه به شدت جرم سه ماه تا یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تعیین کرده است.

این قانون همچنین در اقدامی دیگر و خلاف رویه پیشین خود، مسئولیت کیفری نوجوانان مرتکب جرایم تعزیری که در هنگام ارتکاب جرم بین ۱۵ تا ۱۸ سال داشته‌اند را متفاوت از افراد بالغ دانسته است؛ هر چند مسئولیت

بیشتری از ۹ تا ۱۵ ساله‌ها برای آنها در نظر گرفته است. بر این اساس مسئولیت کیفری نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله در صورت ارتکاب جرمی تعزیری از افراد بالغ کمتر اما در عین حال از کودکان تا ۱۵ سال بیشتر است.

اقدامی که به گفته همایون حسینی، وکیل دادگستری در ایران در راستای به رسمیت شناختن «نظام تدریجی مسئولیت کیفری به جای نظام دفعی و یکباره» بوده است. او می‌گوید: «نگاه قانون مجازات اسلامی سابق به مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در جرایم تعزیری به تبعیت از احکام مربوط به سن بلوغ در اسلام نگاهی دفعی بود، بدین معنی که در حالیکه کودکان زیر ۱۵ سال را تقریباً معاف از مسئولیت کرده بود، اما ناگهان همان فرد را به محض ۱۵ ساله شدن مانند فرد بالغ به حساب می‌آورد که دارای مسئولیت کیفری تمام و کمال است.»

به گفته این وکیل دادگستری اما قانونگذار ایرانی با تغییر این رویکرد و اتخاذ نظام تدریجی مسئولیت کیفری «صغر سنی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله را نیز از اسباب کاهش مسئولیت کیفری دانسته است.» هر چند که به اعتقاد او این موضوع موجب رفع کامل مسئولیت کیفری نیست: «به طور کلی سن ۱۵ تا ۱۸ سال در ایران از نظر حقوقی سنی مشکل زاست، چرا که در عین حال که از نظر قوانین داخلی این افراد بالغ محسوب می‌شوند، اما از نظر قوانین بین‌المللی آنها همچنان کودک به شمار می‌آیند. ضمن اینکه اساساً شروع پروسه بلوغ فکری نیز از همین سن ۱۵ سال آغاز شده و تقریباً در ۱۸ تا ۲۰ سالگی کامل می‌شود.»

برخورد با بزهکاران نوجوان؛ تنبیه یا تادیب؟

بر اساس ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی در حالی که مجازات تعیین شده برای کودکان زیر ۱۵ سال در جرایم تعزیری در شدیدترین حالت اقامت اجباری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال است، اما در مورد نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال حداقل مجازات در نظر گرفته شده نگهداری در این کانون سه ماه و حداکثر آن پنج سال است.

با این وجود به گفته حسینی تعیین این حداقل مجازات در حالی است که بر اساس مواد ۹۰ و ۹۱ همین قانون، دادگاه مجاز است تا به تشخیص خود و با توجه به شرایط عقلی نوجوان (وجود شبهه در رشد و کمال عقلی وی) اقدام به تعیین مجازات‌های جایگزین کند. ضمن اینکه اساساً پیش

بینی حداقل زمان اقامت اجباری در کانون اصلاح و تربیت، بنا بر تبصره‌های ماده ۸۹ مطابق با شدت و حدت جرم تعزیری ارتكابی (بر اساس درجه تعزیر آن از یک تا هشت) بوده و دادگاه تنها اجازه تعیین این مجازات را در مورد جرایم تعزیری تا درجه پنج دارد.

او همچنین در مورد امکان تعیین مجازات‌های نقدی در تبصره‌های ماده ۸۹ به جای مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت می‌گوید: «فلسفه اعمال این مجازات در واقع مجازات ولی و یا سرپرست قانونی نوجوان به دلیل کم کاری او در مراقبت و یا تربیت نوجوان است. چرا که روشن است نوجوان ۱۶ یا ۱۷ ساله‌ای که اقدام به سرقت تعزیری



و تادیبی به جای اعمال مجازات‌های تنبیهی دانسته و می‌گوید: «اساساً مجازات نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله بدون توجه به شرایط تربیتی، اقتصادی و یا خانوادگی آنان کمکی به کاهش فعالیت‌های مجرمانه آنان نکرده و سبب هدایت آنان به راه راست نخواهد شد.» به گفته او از این رو اتخاذ اقدامات پیش‌بینی شده «تامینی و تربیتی جایگزین» در ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی می‌تواند کمک شایانی به دادگاه‌ها برای تعیین تدابیر اصلاحی و تادیبی در راستای اقدام به صدور حکم و مجازات کند.

به اعتقاد این وکیل دادگستری این رویکرد تادیبی جدید در قانون گذاری نسبت به بزهکاران کودک و نوجوان علاوه بر قانون مجازات اسلامی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز دیده شده و این قانون در ماده ۲۸۵ خود رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان را، از مرحله مقدماتی تحقیق تا صدور حکم، تنها در دادگاه‌های اطفال و نوجوان مجاز دانسته است. ضمن اینکه به گفته حسینی لزوم تشکیل «پرونده شخصیتی» برای نوجوانان و کودکان بزهکار در ماده ۲۸۶ این قانون مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین بر اساس ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری جدید قضات دادگاه‌های اطفال موظف به بهره‌گیری از مشاوره متخصصین علوم تربیتی و روانشناسی بوده و حضور دست کم یک مشاور در دادگاه الزامی است.

در عین حال اما به گفته این وکیل دادگستری اعمال تدابیر تادیبی و تربیتی بر کودکان و نوجوانان بزهکار نیز بدون توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه بی‌فایده و ناکارآمد است. او می‌گوید: «در حالیکه فقر اقتصادی در خانواده‌های دامن کودکان و نوجوانان را نیز می‌گیرد، بر اساس آمارها سن خشونت‌های اجتماعی مانند زورگیری تا ۱۳ سال هم پایین آمده و دعوا و خشونت‌های فیزیکی نیز جزئی از فعالیت‌های عادی زندگی روزمره شده؛ روشن است که در این وضعیت روی آوردن کودکان و نوجوانان به فعالیت‌های بزهکارانه خیلی عجیب و دور از انتظار نیست.» از این رو به اعتقاد حسینی در چنین شرایطی صرف تغییر قانون در برخورد با بزهکاری کودکان و نوجوانان بدون تلاش برای از بین بردن و یا کم کردن تبعیضات و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی کمکی به حل بحران بزهکاری در میان کودکان و نوجوانان نخواهد کرد.

و یا ضرب و جرح می‌کند، توانایی مالی پرداخت مجازات نقدی را ندارد، ضمن اینکه اساساً اعمال مجازات نقدی بر نوجوان تأثیری نیز در تادیب و یا تربیتش نخواهد داشت.» از این رو به گفته این وکیل دادگستری در مقام عمل، دادگاه‌ها عموماً با توجه به اختیاری که مواد ۹۳ و ۹۴ قانون مجازات اسلامی به آنها داده است، مجموعه‌ای از اقدامات تنبیهی و تادیبی را با توجه به نوع جرم تعزیری، وضعیت عقلی نوجوان و نیز وضعیت خانوادگی او جایگزین مجازات حبس در کانون اصلاح و تربیت می‌کنند.

حسینی این رویکرد قانون مجازات اسلامی جدید را نشانه تلاش قانونگذار برای در پیش گرفتن اقدامات اصلاحی

نظام کیفری با نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال چگونه برخورد می کند؟



مریم دهکردی

صبح روز چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۷، ده زندانی که عموماً با اتهام «قتل عمد» به «قصاص نفس» (اعدام) محکوم شده بودند، در زندان «رجایی شهر» کرج اعدام شدند. در میان آنها، کودک مجرمی بود به نام «امید رستمی» که در هنگام ارتکاب جرم تنها ۱۶ سال داشت.

امید در تاریخ ۲۲ تیر ماه ۱۳۹۱ به اتهام قتلی که در اسلام شهر رخ داد، بازداشت و به قصاص محکوم شد. خانواده او در طول سال‌های زندان چهار بار با گرفتن مهلت از شاکیان پرونده جهت تامین مبلغ دیه، از اجرای حکم جلوگیری به عمل آورده بودند اما در نهایت از آنجایی که خانواده مقتول حاضر به قبول دیه نشده و رضایت ندادند اعدام شد.

«میلاذ عظیمی»، کودک مجرم دیگری است که در آذرماه سال ۱۳۹۲، وقتی ۱۶ سال داشت، در پی یک نزاع دسته جمعی در یکی از مدارس شهرک «رودکی» کرمانشاه به اتهام قتل دستگیر شد و از آنجایی که شهادی بر اثبات بی گناهی نداشت و در ساعات اولیه دستگیری تحت فشار بازجویی مسئولیت ضربه کاری به مقتول را پذیرفته بود به قصاص نفس محکوم شد. او اما در آخرین روز مهلت مقرر برای تهیه مبلغ دیه؛ با همیاری چند سازمان خیریه و تلاش خانواده‌اش

رضایت خانواده مقتول را جلب کرد و از اعدام رهایی یافت. تقریباً همه کودک مجرمانی که به نوعی نامشان در خبرها آمده و به مجازات‌هایی از نوع پرداخت دیه یا قصاص نفس محکوم شده‌اند سن بالای ۱۵ سال داشته‌اند اما اگر سن مجرم کمتر از ۱۵ باشد چه خواهد شد؟

موسی برزین خلیفه؛ حقوقدان در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «در ایران با کودک و نوجوانی که مرتکب جرم شده باشد به دو شکل برخورد می‌شود. در دسته‌ای از جرایم که شامل مجازات حد، قصاص و دیه باشند نظام شرعی با مجرم کودک برخورد می‌کند و به هنگام ارتکاب سایر جرایم، مطابق قوانین مجازات‌های تعزیری با آنها برخورد خواهد شد.»

اهمیت سن تعیین سن کودک به هنگام ارتکاب جرم در مجازات‌ها نقش پررنگی دارد. سن مسئولیت کیفری در ایران برای دختران ۹ سال تمام و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری محاسبه شده است و این سرمنشا مشکلات قانون مجازات اسلامی برای کودک مجرمان است.

موسی برزین خلیفه‌لو در خصوص تغییرات قانون مجازات اسلامی برای مجرمینی که بین ۱۲ تا ۱۵ سال سن داشته باشند به تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی اشاره



به دست مددکاران سپرده خواهند شد. در مراحل بعدی قاضی مددکاران را مکلف می‌کند که از معاشرت و ارتباط کودک مجرم با اشخاصی که احتمالاً مسبب این اتفاق بوده‌اند؛ مثلاً والدین معتاد جلوگیری به عمل آید و کودک را به موسسات، نهادها یا مراکز حمایتی می‌فرستند.

رشد عقلی حرف اول و آخر را می‌زند

ندا موسوی، وکیل دادگستری نیز در این باره بر رشد عقلی که در قانون مجازات مورد توجه قرار گرفته است، تأکید دارد و می‌گوید: «برابر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون محکوم می‌شوند.»

وی ادامه می‌دهد: «البته قانون پیش‌بینی کرده است که عقل‌رس بودن یا نبودن مجرم نیز با تأیید پزشکی قانونی و

می‌کند و می‌گوید: «هرگاه فرد نابالغی یکی از جرائم موجب حد یا قصاص را انجام دهد اگر ۱۲ تا ۱۵ سال قمری داشته باشد یکی از این اقدامات در مورد او انجام می‌شود: ممکن است قاضی او را نصیحت کرده و در خصوص جرم ارتكابی به او توضیح دهد، یا برای عدم تکرار جرم از او تعهد کتبی بگیرد. گاهی اما جرم ارتكابی به شکلی است که با نصیحت یا تعهد نمی‌شود از تکرار نشدن آن مطمئن بود، یا شرایط کودک از نظر اجتماعی و خانوادگی به گونه ای ست که راه‌هایی که گفته شد اثرگذار نیست. مثلاً ممکن است کودکی بدسرپرست یا بی سرپرست باشد یا در محله و جایی زندگی کند که احتمال تکرار بزه مذکور وجود داشته باشد، در این صورت دادگاه بنا به تشخیص قاضی یکی از این اقدامات را انجام می‌دهد:

ممکن است بسته به نوع جرم ارتكابی، مجرم به مددکاران اجتماعی یا روانشناسان و دیگر متخصصان معرفی می‌شود. مثلاً در مورد کودکانی که در این بازه زمانی مرتکب جرایم مشمول دیه شوند مثل ایراد ضرب و جرح، در مرحله نخست



استعلام از این مرکز است که البته بسته به نظر قاضی این مورد از روش‌های دیگر نیز ممکن است احصا شود.»

موسوی درباره مجازات کیفری کودکان برابر قانون (بازداشت کودکان و نوجوانان) مجازات به دو نکته دیگر نیز اشاره می‌کند، اولین مورد تخفیف مجازات برای این افراد است، زیرا قانونگذار در ماده ۹۳ برای بازداشت کودکان و نوجوانان اعلام کرده است که قاضی می‌تواند به کودک متخلف تخفیف داده و مجازات وی را تا نصف کاهش دهد. یا در ماده بعدی اعلام کرده است که قاضی می‌تواند در مورد جرایم تعزیری مجازات کودک را به تعویق بیندازد یا اجرای مجازات را معلق کند. نکته دوم اینکه مجازات کیفری کودک و نوجوانان برای آن‌ها سوءپیشینه به همراه ندارد.

آیا ممکن است در موارد قتل دادگاه حکم قصاص برای کودک زیر ۱۵ سال صادر کند؟

موسی برزین در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «من به شخصه هرگز با موردی که زیر ۱۵ سال بوده و به قصاص نفس محکوم شده باشد برخورد نکرده‌ام اما این در مورد کودک مجرمان زن ممکن است اتفاق بیفتد. چرا که زنان از سن ۹ سالگی به بعد مسئولیت کیفری خواهند داشت و مجازات یک کودک مجرم زن مطابق قانون مجازات اسلامی در ایران بعد از سن ۹ سالگی با یک فرد بالغ مثلا ۳۷ ساله تفاوتی نخواهد داشت.»

او همچنین به قانون مجازات اسلامی پیش از سال ۹۲ اشاره می‌کند و می‌گوید: «یکی از دلایل تغییر قانون مجازات اسلامی همین نقص است. قانون مجازات اسلامی قبلی، تمامی کسانی را که به حد بلوغ شرعی رسیده بودند دارای مسئولیت کیفری کامل می‌دانست و اگر فرد بالغی مرتکب قتل عمدی می‌شد، حکم قصاص برای او صادر می‌شد ولی به لحاظ برخی ملاحظات از جمله ماده ۳۷ کنوانسیون کودک که مقرر داشته کودکان را نمی‌توان به اعدام یا حبس ابد محکوم کرد، اجرای حکم تا رسیدن فرد به ۱۸ سالگی به تعویق می‌افتاد و بعد از رسیدن فرد به ۱۸ سال، حکم اجرا می‌شد.»

محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران هم در این باره می‌گوید: «سال ۹۲ قانون مجازات اسلامی تحت فشار جامعه بین‌المللی و فعالان حقوق کودک تغییر کرد و حاکمیت ایران ناچار شد در خصوص صدور حکم قصاص نفس برای کودک مجرمان تغییراتی را اعمال کند. بدین ترتیب ماده ۹۱ به قانون مجازات اسلامی اضافه شد. مطابق این قانون، در

جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده ای که در قانون آمده محکوم می‌شوند. یعنی این افراد را برای تشخیص رشد عقلی به پزشکی قانونی می‌فرستند اما واقعیت این است که هیچ‌کس نمی‌داند بر اساس چه پروتکلی پزشکی قانونی رشد عقلی کودک مجرمان را تشخیص می‌دهد، حتی من به عنوان یک پزشک در این مورد کاملا بی‌اطلاعم. مثلا در مورد امید رستمی، کودک مجرمی که اخیرا حکم اعدامش در زندان رجایی شهر اجرا شد، خانواده و نزدیکانش می‌گفتند او هرگز به پزشکی قانونی جهت تشخیص رشد عقلی اعزام نشد اما میلاد عظیمی که با پرداخت دیه موفق شدند حکم اعدامش را بکشند در یک جلسه چند دقیقه‌ای در پزشکی قانونی و بدون حتی یک پرسش از او حکم به رشد عقلی وی داده و بر همین اساس هم قاضی حکم خود را صادر کرد.»

دهند به کار بندند. به باور امیری مقدم ماده ۹۱ نه تنها اعدام کودک مجرمان را کاهش نداده که موجب افزایش آن هم شده است.

او می‌گوید: «بنا بر آماري که ما داریم تنها از ابتدای سال میلادی ۲۰۱۸ تا این لحظه شش کودک مجرم اعدام شده‌اند.»

از مشاهدات اینگونه به نظر می‌رسد که در موارد زیادی قصاص برای اطفال بین ۱۲ تا ۱۵ سال منتفی شده و به جای آن از اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده می‌شود. اما نمی‌توان از کنار این موضوع به راحتی عبور کرد چرا که علی‌رغم آنکه ایران از امضا کنندگان کنوانسیون حقوق کودک به شمار می‌رود، همچنان از معدود کشورهایی است که برای مجرمانی که در سنین کودکی مرتکب جرایم حدی، یا مستلزم پرداخت دیه یا اعدام می‌شوند احکامی صادر می‌کند که برای فرد بالغ صادر می‌شود.

موسی خلیفه برزین در خصوص چگونگی تشخیص رشد عقلی کودک مجرمان می‌گوید: «برای تشخیص رشد عقلی، هیچ ضابطه مشخص و واحدی وجود ندارد. بنا به مورد توسط قاضی تصمیم‌گیری می‌شود. ممکن است یک مجرم ۱۶ ساله بالغ فکری شناخته شود اما در مورد یک نوجوان ۱۷ ساله تشخیص داده شود که رشد عقلی نداشته و ماهیت جرم ارتكابی را نمی‌دانسته. در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است که مرجع تشخیص رشد عقلی قاضی صادر کننده رای است و قاضی می‌تواند نظر متخصصین از جمله پزشکی قانونی را اخذ کند. اگرچه این اقدام این الزام آور نیست و قاضی می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال هم تصمیم‌گیری کند. اما معمولا قضات برای تشخیص رشد عقلی مجرم را به پزشکی قانونی ارسال می‌کنند.»

امیری مقدم اما تاکید می‌کند که جامعه مدنی و فعالان حقوق کودکان حالا باید تمامی تلاش و توان خود را برای تغییر قانون به شکلی که مسئولیت کیفری را به ۱۸ سالگی افراد تغییر

